



Genetic Crimes and Unauthorized Interventions in the Human Body within the Framework of Islamic Criminal Jurisprudence and Iranian Criminal Law

Mohammad Amin Maleki*¹

1. Assistant Professor, Department of Islamic Law, Faculty of Judicial Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-15

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4004-7260

Email: dr.a.maleki@gmail.com

Article history:

Received: 24 May 2025

Revised: 02 Aug 2025

Accepted: 25 Sep 2026

Published online: 20 Feb 2026

Keywords:

Genetic Crimes, Unauthorized Interventions, Islamic Criminal Jurisprudence, Iranian Criminal Law, Human Dignity.

ABSTRACT

Remarkable advances in genetics and biotechnology, alongside their positive therapeutic achievements, have given rise to new types of crimes that differ fundamentally from the traditional framework of criminal law. Unauthorized interventions in the human body-such as genetic modification, cloning, and manipulation of biological structures-not only undermine human dignity but also pose serious threats to individual and social security. In Islamic criminal jurisprudence, principles such as the rule of *la zarar* (no harm), and the rule of preserving social order provide a solid foundation for criminalizing such behaviors, illustrating the capacity of Islamic law to address the challenges posed by genetic crimes. Within the Iranian criminal justice system, certain provisions, including those found in the Islamic Penal Code and special laws regarding organ transplantation or medical affairs, have addressed these issues in a fragmented manner; however, significant gaps remain in the recognition, precise definition, and determination of appropriate sanctions. This study, by focusing on jurisprudential foundations and analyzing Iranian criminal law, seeks to clarify the nature of genetic crimes and unauthorized interventions, examine the criminal liability of physicians and researchers, and respond to ethical and legislative challenges arising from modern technologies. Ultimately, the findings suggest solutions for transparent legislation and coherent judicial practice.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Maleki, MM (2026). "Genetic Crimes and Unauthorized Interventions in the Human Body within the Framework of Islamic Criminal Jurisprudence and Iranian Criminal Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(5): 1-15.



دوره پنجم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۴

جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز در بدن انسان در چارچوب فقه جزا و حقوق کیفری ایران

محمد امین ملکی*

۱. استادیار، گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق قضائی، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

بیشرفت‌های چشم‌گیر در حوزه علوم ژنتیک و زیست‌فناوری، علاوه بر دستاوردهای مثبت درمانی، زمینه‌ساز بروز جرایم نوینی شده است که ماهیت آن‌ها با ساختار سنتی حقوق کیفری متفاوت است. مداخلات غیرمجاز در بدن انسان، از جمله تغییر ژنتیکی، شبیه‌سازی و دستکاری در ساختارهای زیستی، نه تنها کرامت انسانی را تهدید می‌کند، بلکه امنیت فردی و اجتماعی را نیز با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد. در فقه جزا، اصولی چون قاعده لاضرر و قاعده حفظ نظام، سنگ بنای جرم‌انگاری چنین رفتارهایی قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که فقه اسلامی ظرفیت بالایی برای پاسخگویی به چالش‌های ناشی از جرایم ژنتیکی دارد. در نظام حقوق کیفری ایران نیز برخی مقررات، مانند قانون مجازات اسلامی و قوانین خاص در زمینه پیوند اعضا یا امور پزشکی، به‌طور پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند، اما خلأهای قابل توجهی در زمینه شناسایی، تعریف دقیق و تعیین ضمانت اجرای متناسب وجود دارد. این پژوهش با تمرکز بر مبانی فقهی و تحلیل حقوق کیفری ایران، تلاش دارد ضمن تبیین ماهیت جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز، ابعاد مختلف مسؤولیت کیفری پزشکان و پژوهشگران را بررسی کرده و به چالش‌های اخلاقی و تقنینی ناشی از فناوری‌های نوین پاسخ دهد. در پایان نیز با جمع‌بندی یافته‌ها، راهکارهایی برای قانون‌گذاری شفاف و رویه‌سازی قضایی منسجم ارائه می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۲۶۰-۴۰۰۴-۰۰۰۳

۰۰۰۰

ایمیل: dr.a.maleki@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

جرایم ژنتیکی، مداخلات غیرمجاز، فقه جزا، حقوق کیفری ایران، کرامت انسانی.



مقدمه

تحولات چشم گیر در علوم ژنتیک و زیست فناوری، فرصت های بی سابقه ای برای پیشگیری و درمان بیماری ها، ارتقای سلامت انسان و بهبود کیفیت زندگی فراهم آورده اند. فناوری هایی مانند شبیه سازی درمانی، اصلاح ژن ها و استفاده از سلول های بنیادی، امکان دستکاری در ساختار ژنتیکی انسان را فراهم کرده اند و این امر پیامدهای گسترده ای در عرصه پزشکی و علوم زیستی به همراه داشته است. با این حال، چنین پیشرفت هایی می توانند بستر ظهور جرایم نوظهوری باشند که نه تنها کرامت و حریم جسمی انسان را تهدید می کنند، بلکه پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و کیفری قابل توجهی نیز دارند. اهمیت پرداختن به این موضوع از آن جهت است که مرز میان مداخلات پزشکی مشروع و اقدامات غیرمجاز ژنتیکی گاه به دلیل نبود مقررات دقیق و جامع، مبهم می شود و زمینه سوءاستفاده های بالقوه را فراهم می آورد (موسی زاده و موسی زاده، ۱۴۰۳: ۷۶۳).

در حقوق ایران و فقه جزا، هرگونه دستکاری غیرمجاز در بدن انسان می تواند مصداق اضرار به نفس یا تغییر خلقت الهی قلمداد شود و از این رو ممنوعیت های قانونی و شرعی بر آن مترتب است (واحدی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۱۵). فقهای اسلامی با استناد به اصولی همچون حرمت اضرار بالنفس و قاعده لاضرر، چنین مداخلاتی را محدود به موارد ضروری درمانی و مصلحت عقلایی دانسته اند (نجفی، ۱۳۰۱: ۲۷۰/۳۱). این قواعد فقهی نشان دهنده ظرفیت بالای فقه جزا برای ارائه چارچوب هنجاری جهت مقابله با چالش های ناشی از جرایم ژنتیکی هستند و زمینه را برای تحلیل حقوقی این پدیده در نظام کیفری ایران فراهم می آورند.

پیوند میان علوم ژنتیک و مسائل کیفری، امروزه بسیار آشکار است. دستکاری غیرمجاز ژنتیکی می تواند پیامدهای گسترده ای همچون تبعیض ژنتیکی، فروش غیرقانونی داده های زیستی، دستکاری ژن های جنین یا طراحی انسان های خاص برای اهداف غیرانسانی ایجاد کند. در حقوق ایران، باوجود برخی مقررات پراکنده در زمینه پیوند اعضا، سقط درمانی و اقدامات پزشکی خاص، خلأ قانونی در حوزه جرایم ژنتیکی محسوس است و این امر ضرورت جرم انگاری دقیق و تحلیل جامع حقوقی را دوچندان می کند (سعادت جو و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۸).

باتوجه به اهمیت و گستردگی موضوع، این پژوهش یک پرسش اصلی را دنبال می کند: مبانی فقه جزا و حقوق کیفری ایران در قبال جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز در بدن انسان چه هستند و تا چه اندازه می توانند پاسخگوی چالش های ناشی از این پدیده های نوظهور باشند؟ پاسخ به این پرسش با هدف تحلیل چارچوب های فقهی و حقوقی و ارزیابی توانایی نظام کیفری ایران در مواجهه با فناوری های نوین ژنتیکی ارائه می شود. روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی است. ابتدا مفاهیم و تعاریف مرتبط با جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز تبیین می شوند و سپس با استفاده از منابع فقهی عربی، اصول و قواعد فقه جزا بررسی می گردد. در مرحله بعدی، قوانین و مقررات ایران در حوزه پزشکی و جرایم زیستی مورد تحلیل قرار گرفته و خلأها و محدودیت های قانونی شناسایی می شوند. در نهایت، باتوجه به یافته های فقهی و حقوقی، پیشنهادهایی برای بهبود مقررات کیفری و رویه قضایی ارائه خواهد شد تا پاسخ مناسبی به چالش های نوین فناوری های ژنتیکی در ایران داده شود. به این ترتیب، مقاله حاضر ضمن بهره گیری از منابع فقهی و حقوقی متنوع،

تلاش دارد چارچوبی جامع برای فهم و تحلیل جرائم ژنتیکی ارائه دهد و مسیر تقویت قانون‌گذاری و سیاست‌های کیفری ایران را روشن سازد.

۱- مبانی نظری

در این قسمت به تبیین مبانی نظری بحث پرداخته خواهد شد.

۱-۱- مفهوم جرائم ژنتیکی

در دهه‌های اخیر، پیشرفت‌های گسترده در حوزه ژنتیک و زیست‌فناوری، به‌ویژه ویرایش ژنوم انسانی، شبیه‌سازی و تغییرات ژنتیکی، چالش‌های نوینی را در عرصه حقوق کیفری و فقه جزا ایجاد کرده است (Liu, 2020: 668). این تحولات ضرورت تعریف دقیق «جرائم ژنتیکی» و تمایز آن‌ها از سایر جرائم زیستی را بیش از پیش آشکار ساخته است. در ادبیات حقوقی ایران، جرائم ژنتیکی به اقداماتی اطلاق می‌شود که در آن‌ها ساختار ژنتیکی انسان به‌طور عمدی و بدون مجوز قانونی، اخلاقی یا فقهی تغییر می‌یابد (واحدی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۱۲). این اقدامات می‌توانند مستقیماً یا غیرمستقیماً بر نسل‌های آینده تأثیر گذاشته و پیامدهای غیرقابل بازگشت ایجاد کنند (Peng, 2022: 7).

تمایز جرائم ژنتیکی از سایر جرائم زیستی در هدف آن‌ها نهفته است. در جرائم ژنتیکی، تمرکز بر تغییر ساختار ژنتیکی انسان است، درحالی‌که جرائم زیستی دیگر ممکن است تنها آسیب جسمی یا روانی به فرد یا گروه خاصی را مد نظر قرار دهند (van Beers, 2020: 2). ازاین‌رو، جرائم ژنتیکی ماهیتی فراتر از زیست‌شناسی صرف داشته و با حقوق بشر، اخلاق پزشکی و کرامت انسانی نیز مرتبط است (سعادت‌جو و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۶۵).

مصادیق اصلی جرائم ژنتیکی شامل ویرایش ژنوم انسانی، شبیه‌سازی و تغییر ژنتیک انسان است. ویرایش ژنوم انسانی به تغییرات عمدی در DNA انسان گفته می‌شود که با اهداف درمانی یا غیردرمانی انجام می‌گیرد. در صورت انجام بدون مجوز قانونی یا فقهی، این اقدام غیرمجاز و جرم تلقی می‌شود (موسی‌زاده و موسی‌زاده، ۱۴۰۳: ۷۶۸). شبیه‌سازی انسانی، فرآیند تولید انسان با ویژگی‌های ژنتیکی مشابه برای اهداف تولید مثل یا تحقیق، در بسیاری از کشورها و در حقوق ایران غیرمجاز و مغایر با اصول اخلاقی و فقهی است (قربانی، ۱۳۸۹: ۱۷۵). تغییر ژنتیک انسان نیز شامل هرگونه مداخله در ژنوم است که باعث تغییرات دائمی در نسل‌های آینده می‌شود؛ این تغییرات می‌توانند عمدی یا غیرعمدی باشند و پیامدهای گسترده و غیرقابل پیش‌بینی به‌همراه داشته باشند (موتقی، ۱۳۸۶: ۴۵؛ Shestak, 2023: 125).

یکی از محورهای مهم در تحلیل جرائم ژنتیکی، تمایز میان مداخلات مشروع و غیرمجاز است. مداخلات مشروع عمدتاً با هدف درمان بیماری‌های ژنتیکی یا پیشگیری از انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده انجام شده و تحت نظارت مراجع علمی، اخلاقی و قانونی قرار دارند (اکرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱۰). این اقدامات با رضایت آگاهانه فرد یا والدین او و رعایت اصول اخلاقی و حقوق بشری انجام می‌شوند و جنبه کیفری ندارند (هنرور و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۰).

در مقابل، مداخلات غیرمجاز شامل هرگونه تغییر عمدی در ژنوم بدون مجوز قانونی، فقهی یا اخلاقی است. این اقدامات می‌توانند اهداف تحقیقاتی، تجاری یا حتی سیاسی داشته باشند و پیامدهای جبران‌ناپذیری برای فرد و نسل‌های آینده به‌همراه داشته باشند (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۱۳۰؛ Peng,

7: 2022). شبیه‌سازی انسانی یا دستکاری ژنوم برای ایجاد ویژگی‌های خاص، نقض حقوق بشر، کرامت انسانی و اصول فقه جزا محسوب می‌شود (حسینی و نریمانپور، ۱۳۹۹: ۷۵).

باتوجه به توسعه زیست‌فناوری، تدوین قوانین و مقررات جامع برای نظارت و کنترل جرایم ژنتیکی ضروری است. این مقررات باید ضمن رعایت اصول اخلاقی و حقوق بشر، چارچوبی روشن برای تمایز مداخلات درمانی مشروع از اقدامات غیرمجاز فراهم کنند (آل کجاف، ۱۳۹۱: ۵۰؛ Liu, 2020: 670). فقه جزا نیز با ارائه چارچوب نظری و اصولی، نقش کلیدی در تحلیل و جرم‌انگاری جرایم ژنتیکی ایفا می‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۲۰).

در جمع‌بندی می‌توان گفت جرایم ژنتیکی به‌عنوان حوزه‌ای نوین و پیچیده در حقوق کیفری و فقه جزا، با سایر جرایم زیستی تفاوت ماهوی دارد و تمرکز آن بر تغییر ساختار ژنتیکی انسان است. تمایز مداخلات مشروع درمانی از اقدامات غیرمجاز، نقش اساسی در تحلیل حقوقی و اخلاقی این جرایم دارد و ضرورت تدوین چارچوب‌های قانونی و فقهی جامع برای نظارت بر این حوزه را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

۲-۱- مداخلات غیرمجاز در بدن انسان

مداخلات غیرمجاز در بدن انسان یکی از موضوعات حساس و پیچیده در حوزه پزشکی و حقوق کیفری است که با پیشرفت‌های اخیر در زیست‌فناوری و ژنتیک اهمیت بیشتری یافته است. مفهوم «مداخله غیرمجاز» به هرگونه اقدامی اطلاق می‌شود که بدون مجوز قانونی، اخلاقی یا فقهی بر جسم و سلامت فرد انجام گیرد و موجب خدشه‌دار شدن حقوق فردی یا سلامت عمومی شود

(واحدی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۱۵). این اقدامات ممکن است در قالب دستکاری ژنتیکی، شبیه‌سازی، اصلاح سلول‌های بنیادی یا مداخلات پزشکی بدون مجوز قانونی و اخلاقی انجام شود و جنبه کیفری پیدا کند (Liu, 2020: 668).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مداخلات غیرمجاز، تأثیر آن بر کرامت انسانی و سلامت جسمی و روانی فرد است. برخلاف مداخلات درمانی مشروع که هدف آن‌ها بهبود سلامت یا پیشگیری از بیماری است، مداخلات غیرمجاز معمولاً اهداف غیرپزشکی یا غیراخلاقی دارند و می‌توانند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای فرد و نسل‌های آینده به‌همراه داشته باشند (Peng, 2022: 7). در ادبیات حقوقی ایران، این اقدامات در چارچوب فقه جزا نیز بررسی شده و به‌عنوان اعمال مغایر با قواعد عمومی و اصول کرامت انسانی شناخته می‌شوند (فکور، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

مصادیق مداخلات غیرمجاز در حوزه پزشکی و ژنتیک بسیار متنوع است. اصلاح ژنوم انسانی بدون مجوز قانونی یا فقهی، تغییرات ژنتیکی برای ایجاد ویژگی‌های خاص، شبیه‌سازی انسان و دستکاری سلول‌های بنیادی برای اهداف تحقیقاتی یا تجاری از مهم‌ترین نمونه‌ها محسوب می‌شوند (موسی‌زاده و موسی‌زاده، ۱۴۰۳: ۷۷۰). همچنین مداخلات غیرمجاز می‌توانند شامل اعمالی نظیر تزریق داروهای آزمایشی بدون اجازه، عمل‌های جراحی غیرضروری یا تغییرات ژنتیکی روی جنین و نوزادان باشند که پیامدهای اخلاقی، پزشکی و حقوقی گسترده‌ای دارند (Shestak, 2023: 125).

یکی از محورهای کلیدی در تحلیل حقوقی این مداخلات، نقش رضایت یا عدم رضایت فرد است. براساس اصول حقوقی و فقه جزا، رضایت آگاهانه فرد می‌تواند ماهیت

۲- جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز در چارچوب قواعد فقهی

در این قسمت به تبیین مبانی فقهی جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز پرداخته خواهد شد.

۲-۱- قاعده تسلیط

کرامت انسانی یکی از اصول بنیادین در فقه اسلامی است که شأن و منزلت ویژه‌ای برای انسان قائل می‌شود و مبنای بسیاری از قواعد جزایی و اخلاقی قرار گرفته است. در منابع فقهی، کرامت انسان شامل حرمت جسم و روح، رعایت اختیار او در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با بدن و محافظت از حیثیت اخلاقی و روانی وی است. فقهای امامیه و عامه بر این نکته تأکید دارند که تعرض به بدن انسان بدون مصلحت شرعی و رعایت کرامت او جایز نیست (خوئی، ۱۴۰۰: ۱۲۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۵۶).

یکی از مهم‌ترین قواعد مرتبط، قاعده تسلیط است. براساس این قاعده، انسان می‌تواند بر بدن و اموال خود تا حدودی تسلط داشته باشد، اما این تسلط محدود به جایی است که به خود یا دیگران ضرری نرساند و با مصالح عمومی و اصول اخلاقی مغایرت نداشته باشد (سرخسی، ۱۴۰۵: ۱۱۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۶: ۶/۲۴۵). بنابراین انسان نمی‌تواند هرگونه تغییر ژنتیکی یا مداخله‌ای در بدن خود یا دیگران انجام دهد، زیرا کرامت انسانی و مصلحت جامعه محدودیت‌هایی برای تسلط او ایجاد می‌کند. این محدودیت‌ها در حوزه ژنتیک، اصلاح ژن، شبیه‌سازی و سایر مداخلات غیرطبیعی اهمیت ویژه‌ای دارند، زیرا ممکن است سلامت نسل‌های آینده و امنیت اخلاقی جامعه را تهدید کنند.

عمل را به‌عنوان مشروع یا حداقل مشروع تغییر دهد. به‌عنوان مثال، مداخله درمانی با رضایت کامل بیمار و تحت نظارت مراجع قانونی، از مصادیق مشروع محسوب می‌شود و جنبه کیفری ندارد (اکرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱۲). در مقابل، مداخلات بدون رضایت یا با رضایت غیرآگاهانه، حتی اگر هدف درمانی داشته باشد، معمولاً غیرمجاز و مشمول مسئولیت کیفری است (حسینی و نریمانپور، ۱۳۹۹: ۸۰). این اصل، هم در حقوق ایران و هم در فقه جزا مورد تأکید قرار گرفته است، زیرا کرامت و اختیار فرد در تصمیم‌گیری نسبت به بدن خود از ارزش بالایی برخوردار است (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۲۰).

از سوی دیگر، برخی اقدامات حتی با رضایت فرد نیز ممکن است غیرمجاز تلقی شوند، به‌ویژه هنگامی که خطر جبران‌ناپذیر برای سلامت فرد یا جامعه وجود دارد. برای نمونه، اصلاح ژن برای اهداف غیردرمانی یا شبیه‌سازی انسانی، حتی در صورت رضایت فرد، در حقوق ایران و بسیاری از اسناد بین‌المللی غیرمجاز است و مجازات‌های کیفری برای آن پیش‌بینی شده است (Wang, 2022: 10). این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت اصول اخلاقی و حفاظت از نسل‌های آینده در کنار حقوق فردی است. در مجموع، مداخلات غیرمجاز در بدن انسان با هدف یا قصد مجرمانه، بدون مجوز قانونی یا اخلاقی و اغلب با پیامدهای جبران‌ناپذیر، از مصادیق بارز جرایم زیست‌فناورانه و ژنتیکی به‌شمار می‌آیند. تحلیل دقیق این اقدامات نیازمند توجه به مصادیق مشخص، تفاوت میان مداخلات درمانی و غیرمجاز و نقش رضایت فرد است. تدوین چارچوب‌های قانونی و فقهی شفاف، همراه با آموزش اخلاقی و پزشکی به متخصصان و عموم جامعه، راهکاری کلیدی برای پیشگیری و کاهش وقوع این جرایم است.

در جمع‌بندی، کرامت انسانی و قاعده تسلیط چارچوب فقهی محکمی برای ارزیابی مشروعیت یا غیرمجازبودن مداخلات پزشکی و ژنتیکی فراهم می‌کنند. این اصول تأکید دارند که تسلط انسان بر بدن خود محدود به حفظ سلامت، رعایت کرامت و مصالح عمومی است و هرگونه دستکاری ژنتیکی یا مداخله غیرمجاز که این محدودیت‌ها را نقض کند، مشمول مسئولیت فقهی و جزایی است.

۲-۲- قاعده لاضرر

در فقه اسلامی، قاعده لاضرر یکی از اصول بنیادین است که منع هرگونه ضرر به نفس، مال و عرض انسان را مورد تأکید قرار می‌دهد. این قاعده به‌طور مستقیم بر مسأله جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز در بدن انسان قابل اعمال است، زیرا تغییرات غیرمجاز ژنتیکی می‌تواند به فرد، نسل‌های آینده و سلامت جامعه آسیب برساند (خوئی، ۱۴۰۰: ۱۳۲). قاعده لاضرر محدودیت‌هایی را برای تسلط انسان بر بدن خود ایجاد می‌کند و تضمین‌کننده رعایت کرامت و مصالح عمومی است (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۵۲/۶).

جرایم ژنتیکی شامل هرگونه دستکاری غیرمجاز در ژنوم انسان است که بدون ضرورت درمانی یا مصلحت شرعی انجام شود، مانند اصلاح ژن با اهداف غیرپزشکی، شبیه‌سازی انسان، تغییر ژنتیک جنین بدون مجوز شرعی و تولید گونه‌های انسانی دستکاری‌شده. این اقدامات نه تنها سلامت جسمانی فرد را تهدید می‌کنند، بلکه می‌توانند آثار جبران‌ناپذیری بر نسل‌های بعدی داشته باشند. در منابع فقهی، لاضرر به‌عنوان یک معیار برای سنجش مشروعیت یا غیرمجازبودن مداخلات پزشکی و ژنتیکی مورد توجه قرار گرفته است. فقها تأکید دارند که حتی اگر فرد رضایت دهد، اقدام به تغییر ژنتیکی غیرضروری جایز نیست، زیرا این اقدام می‌تواند موجب ضرر به سلامت،

فقه‌های امامیه و عامه به‌صراحت بیان کرده‌اند که تسلط انسان بر بدن خود مشروعیت نسبی دارد و نباید منجر به خودآزاری یا تغییرات غیرطبیعی در انسان شود. به‌عنوان نمونه، شبیه‌سازی انسانی یا اصلاح ژن با اهداف غیرضروری، حتی با رضایت فرد، با قاعده تسلیط ناسازگار است، زیرا سلامت و کرامت نسل‌های بعدی را تهدید می‌کند (خوئی، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

کرامت انسانی در این زمینه محدود به سلامت جسمانی نیست، بلکه شامل ابعاد روانی و اخلاقی نیز می‌شود. مداخلات غیرمجاز در بدن، اعم از دستکاری ژنتیکی یا شبیه‌سازی بدون مجوز شرعی، می‌تواند شأن و کرامت انسان را نقض نماید و با قاعده منع ضرر (لاضرر) در فقه نیز هم‌سو نیست (سیستانی، ۱۴۰۲: ۵۵).

یکی دیگر از ابعاد قاعده تسلیط، تمایز میان مداخلات درمانی مشروع و غیرمجاز است. مداخلات درمانی که هدف آن حفظ یا بازیابی سلامت فرد است و با اصول اخلاقی و شرعی منطبق است، در چارچوب تسلط مشروع قرار دارند و کرامت فرد را خدشه‌دار نمی‌کنند. در مقابل، مداخلات غیرمجاز که اهداف غیرپزشکی دارند یا آثار جبران‌ناپذیری برای فرد و نسل‌های آینده ایجاد می‌کنند، با قاعده تسلیط و کرامت انسانی مغایرت دارند و مشمول مسئولیت جزایی می‌شوند (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۴۸/۶).

همچنین رضایت فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، اما محدودیت‌های شرعی و اخلاقی را نمی‌توان صرفاً با رضایت دور زد، حتی اگر فردی برای مداخله ژنتیکی غیرضروری رضایت دهد، اقدام او غیرمجاز است، زیرا تجاوز به کرامت نسل‌های آینده و مصالح عمومی جامعه محسوب می‌شود (خوئی، ۱۴۰۰: ۱۳۰).

گروهی که موجب تهدید سلامت جمعی، نظم اجتماعی و امنیت عمومی گردد، از منظر شرعی قابل منع و محدود است (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۶۰/۶). جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز در بدن انسان، از جمله موضوعاتی هستند که مستقیماً با مصالح عمومی و نظم جامعه در ارتباط قرار دارند، زیرا تغییرات ژنتیکی بدون رعایت اصول درمانی و اخلاقی می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری بر نسل‌های آینده و سلامت جامعه داشته باشد.

یکی از مصادیق مهم این ارتباط، دستکاری ژنتیکی غیرمجاز است که علاوه بر تهدید سلامت فرد، می‌تواند موجب بروز نابرابری ژنتیکی، افزایش خطر ابتلا به بیماری‌ها در نسل‌های بعدی و ایجاد مخاطرات اجتماعی شود (Shestak, 2023: 125). این اقدامات، حتی در صورت رضایت فرد نیز از منظر فقهی قابل منع است، زیرا رضایت شخصی نمی‌تواند خطرات جمعی و تهدید نظم عمومی را مشروعیت بخشد. به بیان دیگر، حفظ نظام اجتماعی و مصالح عمومی، محدودیتی برای اختیار فردی در دستکاری ژنتیکی ایجاد می‌کند. قاعده حفظ نظام مکمل قاعده لاضرر است. اگر لاضرر محدودیت‌هایی را برای جلوگیری از ضرر مستقیم به فرد تعیین می‌کند، حفظ نظام بر ضرر جمعی و حفظ مصالح اجتماعی تمرکز دارد (سیستانی، ۱۴۰۲: ۶۵). به عنوان مثال، اقدام به شبیه‌سازی انسان یا اصلاح ژن بدون ملاحظات درمانی ممکن است سلامت نسل‌های بعدی را تهدید کرده و نظم اجتماعی را مختل کند. تأثیر این قاعده در تعیین مشروعیت یا غیرمجاز بودن مداخلات ژنتیکی قابل مشاهده است. هرگونه دستکاری که موجب اختلال در توازن جمعی، تهدید سلامت عمومی یا کاهش کرامت انسانی شود، از منظر فقهی غیرمجاز و مشمول مسئولیت جزایی است. این نگاه

اخلاق و کرامت انسانی شود (خوئی، ۱۴۰۰: ۱۳۵). این نگاه در تطبیق با مداخلات درمانی مشروع مشخص می‌شود؛ مداخلات درمانی که هدف آن حفظ یا بازایی سلامت فرد است و آثار مضر بر دیگران ندارد، با قاعده لاضرر سازگار است.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم قاعده لاضرر، ملاحظات اجتماعی و نسل‌های آینده است. تغییرات ژنتیکی غیرمجاز ممکن است سلامت نسل‌های بعدی را به خطر بیندازد یا موجب بروز بیماری‌های غیرقابل جبران شود، بنابراین تجاوز به قاعده لاضرر محسوب می‌شود (سیستانی، ۱۴۰۲: ۶۲). این قاعده همچنین محدودیت‌هایی برای استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مانند CRISPR یا شبیه‌سازی ایجاد می‌کند، به ویژه اگر هدف آن‌ها اهداف غیرپزشکی یا سود شخصی باشد. در تحلیل فقهی، ترکیب کرامت انسانی و قاعده لاضرر چارچوب محکمی برای جرم‌انگاری مداخلات ژنتیکی غیرمجاز فراهم می‌آورد. اعمال غیرمجاز در ژنتیک، حتی با رضایت فرد، نقض کرامت و تهدید سلامت فرد و جامعه است. در نتیجه، قاعده لاضرر معیار اصلی در فقه جزا برای ارزیابی مشروعیت یا غیرمجاز بودن مداخلات ژنتیکی است. این قاعده نه تنها سلامت جسمانی و روانی فرد را حفاظت می‌کند، بلکه تضمین‌کننده رعایت کرامت انسانی و مصالح عمومی جامعه نیز می‌باشد. بدین ترتیب، هرگونه دستکاری غیرمجاز ژنتیکی که این چارچوب‌ها را نقض کند، با حکم فقهی غیرمجاز و مشمول مسئولیت کیفری است.

۳-۲- قاعده حفظ نظام

در فقه اسلامی، قاعده حفظ نظام یکی از اصول اساسی در تأمین مصالح عمومی و نظم اجتماعی محسوب می‌شود. این قاعده بر آن تأکید دارد که هرگونه اقدام فردی یا

دارد، زیرا می‌تواند به سلامت نسل‌های آینده و نظم اجتماعی آسیب برساند (قاضی، ۲۰۱۹: ۱۲۳).

کرامت انسانی نیز معیار مهم دیگری است. هر تغییر خلقت باید با حفظ کرامت طبیعی و انسانی فرد سازگار باشد. فقهای معاصر تأکید می‌کنند که تغییرات غیرضروری و غیردرمانی که به شکل مصنوعی توانایی‌ها یا صفات طبیعی انسان را دستکاری کند، نقض کرامت انسانی محسوب می‌شود و مشروعیت فقهی ندارد (مرادی، ۲۰۲۰: ۸۹). به بیان دیگر، صرف رضایت فرد نمی‌تواند مشروعیت بخشی به اقدامات تغییر خلقت غیرمجاز ایجاد کند، زیرا مصالح جمعی و سلامت جامعه نیز باید لحاظ شوند. قاعده حفظ نظام و مصالح عمومی نیز در این زمینه اهمیت دارد. تغییر خلقتی که باعث اختلال در سلامت جمعی، ایجاد نابرابری ژنتیکی یا تهدید نظم اجتماعی شود، از منظر فقهی غیرمجاز تلقی می‌شود. بنابراین، حتی اگر اقدامات تغییر خلقت به ظاهر فردی و شخصی باشد، تأثیرات آن بر جامعه و نسل‌های آینده نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مسئولیت شرعی و جزایی را به دنبال دارد (زرقا، ۲۰۲۱: ۶۵).

تمایز بین تغییر خلقت مشروع و غیرمجاز در فقه معاصر روشن است. تغییرات درمانی، مانند اصلاح بیماری‌های ژنتیکی، پیوند اعضا و مداخلات پزشکی ضروری که سلامت فرد را تضمین می‌کند، مشروع شناخته می‌شوند و با قواعد فقهی همخوانی دارند. در مقابل، مداخلات تفتنی یا غیرضروری، از جمله شبیه‌سازی انسان بدون مجوز، دستکاری ژنتیکی برای بهبود صفات فرد یا تولید موجودات دستکاری شده، غیرمجاز هستند و مستلزم مسئولیت جزایی و اخلاقی می‌باشند (قاضی، ۲۰۱۹: ۱۲۷).

همچنین موجب می‌شود که تصمیم‌گیری در حوزه ژنتیک، تنها محدود به ملاحظات درمانی و فردی نباشد، بلکه ارزیابی اجتماعی و نسل‌های آینده نیز مورد توجه قرار گیرد، در نتیجه، قاعده حفظ نظام چارچوب تحلیلی و عملی مهمی برای مقابله با جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز فراهم می‌آورد. ترکیب این قاعده با اصول کرامت انسانی و لاضرر، تضمین می‌کند که هرگونه مداخله در بدن انسان علاوه بر رعایت حقوق فرد، سلامت جامعه و مصالح عمومی را نیز لحاظ کند. به این ترتیب، فقه اسلامی با تأکید بر حفظ نظام، زمینه لازم برای جرم‌انگاری مداخلات ژنتیکی غیرمجاز و اعمال مسئولیت جزایی نسبت به آن‌ها را فراهم می‌آورد.

۲-۴- جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز در چارچوب مفهوم تغییر خلقت

در فقه اسلامی، موضوع تغییر خلقت (تغییر فی الخلق) یکی از مباحث مهم مرتبط با سلامت، کرامت انسانی و نظم اجتماعی محسوب می‌شود. تغییر خلقت به معنای دستکاری در ساختار طبیعی بدن انسان یا موجودات زنده است، به گونه‌ای که از نظم اولیه آفرینش عدول شود. فقهای معاصر عرب این موضوع را به‌ویژه در پرتو پیشرفت‌های زیست‌فناوری و ژنتیک بررسی کرده‌اند و بر لزوم رعایت اصول اخلاقی و فقهی تأکید دارند (زرقا، ۲۰۲۱: ۵۷).

یکی از اصول اساسی در تحلیل فقهی تغییر خلقت، قاعده لاضرر است. هرگونه اقدام که سلامت فرد یا جامعه را به خطر اندازد، غیرمجاز محسوب می‌شود. بنابراین دستکاری ژنتیکی غیرمجاز، شبیه‌سازی بدون مجوز و اصلاح ژن به‌منظور تفتنی یا سود شخصی، با قاعده لاضرر تعارض

این مواد غالباً تعمیم یافته و ناقص هستند و اختصاصاً به جرایم ژنتیکی نمی‌پردازند.

قوانین خاص مانند قانون پیوند اعضا نیز بخشی از مداخلات زیست‌پزشکی را تحت پوشش قرار می‌دهند. این قانون و آیین‌نامه‌های پزشکی مرتبط، به شفاف‌سازی حدود مجاز فعالیت‌های درمانی مانند پیوند اعضا، سلول‌های بنیادی و سایر اقدامات پزشکی کمک می‌کنند و زمینه قانونی برای تضمین مشروعیت درمانی مداخلات ژنتیکی فراهم می‌آورند (موسی‌زاده و موسی‌زاده، ۱۴۰۳: ۷۶۵). این قوانین همچنین محدودیت‌هایی را برای اقداماتی که بدون مجوز انجام شوند، پیش‌بینی کرده‌اند و می‌توانند به عنوان ابزار پیشگیری و جرم‌انگاری غیرمستقیم در حوزه ژنتیک به کار روند.

با این حال، خلأهای قانونی در حوزه جرایم ژنتیکی کاملاً مشهود است. قوانین موجود عمدتاً تخصصی و محدود به زمینه‌های درمانی یا فیزیکی سنتی هستند و اقدامات نوظهور زیست‌فناوری، مانند تغییر ژن، شبیه‌سازی انسان، دستکاری سلول‌های جنینی و اصلاح ژنتیک بدون مجوز را به طور صریح پوشش نمی‌دهند. این خلأ قانونی باعث می‌شود که برخی اقدامات غیرمجاز از نظر کیفری مستقیماً قابل پیگیری نباشند و نیازمند تدوین مقررات جدید یا اصلاح قوانین موجود باشد (سعادت‌جو و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۶۵).

تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که ترکیب مواد قانون مجازات اسلامی با قوانین خاص پزشکی، یک چارچوب محدود و غیرکامل برای برخورد با مداخلات ژنتیکی فراهم می‌کند. از منظر عملی، هرگونه اقدام ژنتیکی غیرمجاز که سلامت یا کرامت انسانی را تهدید کند، می‌تواند مشمول

در نتیجه، تحلیل فقهی معاصر عرب نشان می‌دهد که تغییر خلقت غیرمجاز در بدن انسان به دلیل تهدید سلامت، کرامت و مصالح عمومی، مصداق جرایم ژنتیکی محسوب می‌شود و نیازمند چارچوب حقوقی و کیفری مشخص است. ترکیب قاعده لاضرر، حفظ کرامت و مصالح عمومی، زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا اقدامات ژنتیکی تنها در چارچوب درمانی و مشروع انجام شوند و خطرات جمعی و نسل‌های آینده به حداقل برسند.

۳- رویکرد حقوق کیفری ایران

در این قسمت به تبیین رویکرد حقوق کیفری ایران پرداخته خواهد شد.

۳-۱- جایگاه مداخلات ژنتیکی در قوانین کیفری ایران

در حقوق کیفری ایران، مداخلات ژنتیکی و اقدامات مرتبط با تغییرات ساختار ژنتیکی انسان به طور مستقیم مورد قانون‌گذاری قرار نگرفته‌اند، اما برخی قوانین و مقررات جزایی و پزشکی می‌توانند به طور محدود این حوزه را پوشش دهند، از جمله مهم‌ترین منابع قانونی مرتبط، قانون مجازات اسلامی و قوانین خاصی مانند قانون پیوند اعضا و آیین‌نامه‌های پزشکی هستند.

در قانون مجازات اسلامی، موادی وجود دارد که به طور کلی هرگونه اقدام علیه سلامت جسمی و روانی افراد را جرم‌انگاری می‌کند. به عنوان مثال، ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص آسیب عمدی به جسم و سلامت افراد و ماده ۶۱۵ در زمینه قتل عمد و شبه‌عمد می‌توانند تا حدی، شامل اقدامات ژنتیکی غیرمجاز شوند، به ویژه در مواردی که مداخله ژنتیکی منجر به صدمه جانی یا تهدید سلامت افراد شود (واحدی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۱۵). با این حال،

رضایت بیمار در تعیین مسؤولیت کیفری اهمیت دارد، اما در حوزه مداخلات ژنتیکی، صرف رضایت بیمار نمی تواند مشروعیت کامل ایجاد کند، زیرا اثرات این اقدامات ممکن است نسل های بعدی یا سلامت جامعه را نیز تحت تأثیر قرار دهد (حسینی و نریمانپور، ۱۳۹۹: ۷۵). به همین دلیل، حتی در صورت رضایت بیمار، پزشک یا پژوهشگر ممکن است مسؤولیت کیفری داشته باشد، خصوصاً اگر عمل بدون مجوز قانونی یا خارج از چارچوب درمانی انجام شده باشد.

تمایز بین عمد و تقصیر در مداخلات ژنتیکی نیز اهمیت دارد. اقدام عمدی زمانی است که پزشک یا پژوهشگر با قصد انجام عمل غیرمجاز و آگاهانه آن را انجام دهد. در مقابل، تقصیر شامل سهل انگاری، قصور یا بی احتیاطی در رعایت استانداردهای علمی و پزشکی است. هر دو حالت می تواند موجب مسؤولیت کیفری شود، اما شدت مجازات باتوجه به قصد و پیامد عمل متفاوت خواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۱۸).

علاوه بر آن، آیین نامه ها و مقررات مرتبط با پزشکی و ژنتیک، مانند محدودیت ها و ضوابط شبیه سازی درمانی، نقش مهمی در تعیین حدود قانونی و اخلاقی پزشکان و پژوهشگران دارند. رعایت این مقررات می تواند در کاهش مسؤولیت کیفری و اثبات رعایت استانداردها نقش مؤثری داشته باشد (موسی زاده و موسی زاده، ۱۴۰۳: ۷۶۵).

به طور کلی، مسؤولیت کیفری پزشکان و پژوهشگران در ایران ترکیبی از مسؤولیت ناشی از عمل غیرمجاز، رعایت استانداردهای پزشکی و ارزیابی آثار بلندمدت است. تأکید بر قوانین و آیین نامه های پزشکی، همراه با رعایت اصول اخلاقی و توجه به سلامت جمعی و نسل های آینده، مبنای

جرم انگاری کلی شود، اما نبود قانون صریح باعث عدم قطعیت حقوقی و خلأ در ضمانت اجرای کیفری می شود. به همین دلیل، کارشناسان حقوق پزشکی و فقهی بر ضرورت اصلاح و تکمیل قوانین کیفری در حوزه زیست فناوری تأکید دارند تا جرایم ژنتیکی به صورت مشخص و قابل پیگیری جرم انگاری شوند (واحدی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۲۰).

در نتیجه، جایگاه مداخلات ژنتیکی در حقوق کیفری ایران فعلاً محدود، ناقص و عمدتاً ضمنی است. ترکیب مقررات عمومی کیفری و قوانین خاص پزشکی امکان برخورد محدود با اقدامات غیرمجاز را فراهم می کند، اما برای تضمین سلامت عمومی، کرامت انسانی و پیشگیری از سوءاستفاده در زمینه ژنتیک، تدوین قوانین اختصاصی و شفاف ضرورت دارد.

۳-۲- مسؤولیت کیفری پزشکان و پژوهشگران

در حقوق کیفری ایران، مسؤولیت پزشکان و پژوهشگران در زمینه مداخلات ژنتیکی غیرمجاز اهمیت ویژه ای دارد. اقداماتی مانند شبیه سازی بدون مجوز، دستکاری ژن انسان یا اصلاح ژنتیک به صورت غیرمجاز، می تواند سلامت جسمی و روانی فرد را تهدید کند و زمینه مسؤولیت کیفری را فراهم آورد (هنرور و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۹).

براساس قوانین موجود، پزشکان موظفند در چارچوب قانون مجازات اسلامی و آیین نامه های پزشکی عمل کنند. موادی که به صدمه عمدی یا غیرعمدی به سلامت افراد می پردازند، مانند ماده ۶۱۴ و ۶۱۵، می توانند شامل مداخلات ژنتیکی غیرمجاز شوند، هرچند این پوشش قانونی محدود و عمومی است و اختصاصاً جرایم ژنتیکی را هدف نگرفته است (واحدی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۱۵).

دستورالعمل‌های تخصصی در حوزه ژنتیک و بیوتکنولوژی تدوین شود تا امکان صدور آرای همسان و دقیق فراهم شود.

همچنین نوع و شدت مجازات‌ها باید با لحاظ جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و جمعیتی مداخلات ژنتیکی تعیین شود. اعمال مجازات‌های سنگین بدون توجه به نیت پزشک یا پژوهشگر و شرایط خاص بیمار ممکن است به بی‌عدالتی منجر شود، درحالی‌که مجازات‌های سبک‌تر و تعزیری در کنار الزام به رعایت استانداردهای علمی، می‌تواند کارکرد پیشگیرانه و آموزشی داشته باشد (محمدی، ۱۳۸۶: ۹۸).

نهایتاً، ضمانت اجراها و مجازات‌ها در حوزه جرایم ژنتیکی ترکیبی از تعزیرات عمومی، انطباق با قصاص و دیه و آیین‌نامه‌های تخصصی پزشکی است (بهنام‌منش و عمانی سامانی، ۱۳۸۷: ۱۷۵). این چارچوب حقوقی، ضمن تأمین حفاظت از سلامت فرد و جامعه، زمینه مسؤولیت کیفری پزشکان و پژوهشگران را نیز روشن می‌سازد و نشان‌دهنده ضرورت تدوین قوانین و رویه‌های قضایی شفاف در این حوزه نوظهور است.

۴- چالش‌ها و مسائل نوپدید

در این قسمت به تبیین چالش‌ها و مسائل نوپدید پرداخته خواهد شد.

۴-۱- چالش‌های اخلاقی و فلسفی

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه جرایم ژنتیکی، هم‌پوشانی میان اخلاق زیستی و حقوق کیفری است. علوم ژنتیک با ورود به قلمرو تغییرات بنیادی در انسان، سؤالات اخلاقی عمیقی را ایجاد کرده‌اند که مستقیماً بر قواعد کیفری تأثیر می‌گذارند. از یک‌سو، حقوق کیفری تلاش می‌کند با استفاده از ضمانت اجراها و مجازات‌ها، رفتارهای

اصلی تحلیل مسؤولیت کیفری در حوزه مداخلات ژنتیکی غیرمجاز است.

۳-۳- ضمانت اجراها و مجازات‌ها

در حقوق کیفری ایران، تعیین ضمانت اجراها و مجازات‌ها برای مداخلات ژنتیکی غیرمجاز، چالشی نوین محسوب می‌شود، هرچند قانون مجازات اسلامی و برخی آیین‌نامه‌های پزشکی به‌صورت مستقیم به جرایم ژنتیکی اشاره نکرده‌اند، اما تعزیرات عمومی و خاص می‌توانند به‌عنوان چارچوب اولیه مورد استناد قرار گیرند. برای مثال، اقداماتی که سلامت جسمی یا روانی فرد را به مخاطره می‌اندازد، مشمول تعزیرات از جمله حبس، جزای نقدی یا محرومیت از حرفه پزشکی می‌شوند (فکور، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

از سوی دیگر، امکان انطباق جرایم ژنتیکی با قواعد قصاص و دیه نیز قابل بررسی است. در مواردی که دستکاری ژنتیکی منجر به فوت، نقص عضو یا صدمه شدید به بیمار شود، اصول قصاص و دیه می‌تواند به‌عنوان الگوی حقوقی برای تعیین میزان مجازات مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد در برخی آرای قضایی نشان داده شده است که قاضی می‌تواند با توجه به شدت عمل و آثار ناشی از آن، مجازات کیفری متناسب با قصاص یا دیه را اعمال کند (اکرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱۲).

با این حال، رویه‌های قضایی در ایران در زمینه جرایم ژنتیکی هنوز محدود و پراکنده است. فقدان قوانین اختصاصی باعث شده که قضات غالباً از قیاس با سایر جرایم زیستی یا پزشکی استفاده کنند و این امر می‌تواند منجر به ناهمگونی در اجرای مجازات‌ها شود (آل کجیاف، ۱۳۹۱: ۴۵). به همین دلیل، تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که برای اجرای مؤثر ضمانت اجراها، لازم است آیین‌نامه‌ها و

علاوه بر آن، پیش‌بینی پیامدهای بلندمدت و نسلی مداخلات ژنتیکی یکی از چالش‌های فلسفی - حقوقی است. تصمیمات فعلی می‌توانند اثرات ژنتیکی غیرقابل بازگشتی برای نسل‌های آینده ایجاد کنند که حقوق کیفری و اخلاق زیستی به‌سختی قادر به پاسخگویی هستند (Jasanoff, 2016: 146). این مسأله، ضرورت تدوین قواعدی را نشان می‌دهد که ضمن رعایت اصول اخلاقی، ظرفیت پیشگیری و کنترل حقوقی را فراهم سازند.

درنهایت، می‌توان نتیجه گرفت که چالش‌های اخلاقی و فلسفی مداخلات ژنتیکی نه تنها بر قانون‌گذاری، بلکه بر رویکرد قضایی و اجرایی نیز تأثیرگذار هستند. حفاظت از کرامت انسانی، تعریف دقیق مرز میان مداخلات درمانی و غیرمجاز و پیش‌بینی پیامدهای بلندمدت، سه محور اصلی هستند که هم قانون‌گذار و هم جامعه علمی باید در تدوین سیاست‌ها و ضمانات اجراها مد نظر قرار دهند. این تحلیل نشان می‌دهد که توسعه حقوق کیفری در حوزه ژنتیک بدون در نظر گرفتن مبانی اخلاق زیستی و فلسفی ناقص خواهد بود.

۴-۲- جرایم نوظهور ناشی از فناوری‌های نوین

ظهور فناوری‌های نوین ژنتیکی، به‌ویژه مهندسی ژنتیک با ابزارهایی، مانند CRISPR و شبیه‌سازی انسان، فرصت‌های درمانی بی‌سابقه‌ای فراهم آورده است، اما هم‌زمان چالش‌ها و جرایم نوظهور نیز ایجاد کرده است. فناوری CRISPR امکان تغییر دقیق ژنوم انسان را فراهم می‌کند و می‌تواند برای پیشگیری از بیماری‌ها یا بهبود صفات ژنتیکی مورد استفاده قرار گیرد، اما همین دقت بالا، زمینه سوءاستفاده‌های عمدی یا غیرقانونی را نیز فراهم می‌سازد (Doudna & Sternberg, 2017: 214).

زیان‌آور به سلامت افراد و جامعه را کنترل کند، از سوی دیگر، اخلاق زیستی چارچوب‌های ارزیابی مشروعیت و اخلاقیات عملی مداخلات پزشکی و ژنتیکی را فراهم می‌آورد (Darnovsky, 2019: 112). این هم‌پوشانی موجب می‌شود که قانون‌گذار و قاضی در تصمیم‌گیری‌های خود علاوه بر معیارهای حقوقی، به اصول اخلاقی نظیر عدم آسیب، عدالت و رعایت کرامت انسانی توجه داشته باشند.

نگرانی‌های مربوط به کرامت انسانی از دیگر چالش‌های کلیدی است. مداخلات ژنتیکی، حتی اگر اهداف درمانی داشته باشند، می‌توانند استقلال، اختیار و ارزش ذاتی فرد را تحت تأثیر قرار دهند (Gaskell et al, 2017: 58). از منظر فلسفی، تغییر ژن انسان یا شبیه‌سازی می‌تواند انسان را به شیء یا ابزار تبدیل کند و مرز میان درمان و دستکاری اخلاقی را مبهم سازد. در این راستا، قوانین بین‌المللی و چارچوب‌های اخلاقی، مانند کنوانسیون‌های حقوق بشر و منشورهای اخلاق زیستی، بر حفظ کرامت و جلوگیری از هرگونه بهره‌کشی از فرد تأکید دارند (Griffiths, 2018: 204).

یک چالش دیگر، تعیین حد و مرز مشروعیت و غیرمجاز بودن مداخلات است. بسیاری از مداخلات ژنتیکی درمانی ممکن است از نظر حقوقی مشروع باشند، اما در سطح فلسفی و اخلاقی سؤالاتی ایجاد کنند که نیازمند ارزیابی دقیق است. به‌عنوان مثال، تغییر ژن با هدف پیشگیری از بیماری می‌تواند مشروعیت اخلاقی داشته باشد، اما همان اقدام با هدف افزایش قابلیت‌های فیزیکی یا هوشی، ممکن است با اصول عدالت و کرامت انسانی در تضاد باشد (Borry et al, 2015: 89).

اخلاقی دقیق و پیشگیرانه برای کاهش ریسک سوءاستفاده‌ها ضروری است. در جمع‌بندی، می‌توان گفت که جرایم نوظهور ناشی از فناوری‌های نوین ژنتیکی، شامل سوءاستفاده‌های عمدی از CRISPR، شبیه‌سازی انسان و اقدامات هدفمند برای ایجاد نژاد یا ویژگی‌های برتر است. مقابله با این تهدیدها نیازمند تلفیق قوانین کیفری، چارچوب‌های اخلاق زیستی و راهبردهای نظارتی بین‌المللی است تا هم کرامت انسانی حفظ شود و هم پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جنایی ممکن گردد.

۴-۳- خلأهای تقنینی و قضایی در ایران

با پیشرفت سریع علوم ژنتیک و ورود فناوری‌های نوین به عرصه پزشکی و تحقیقاتی، نظام حقوقی ایران با خلأهای قابل توجهی در حوزه تقنینی و قضایی مواجه شده است. یکی از ضعف‌های اصلی، عدم وجود قوانین اختصاصی برای تنظیم و نظارت بر مداخلات ژنتیکی و شبیه‌سازی انسان است. قانون مجازات اسلامی و قوانین مربوط به پزشکی، تنها به صورت کلی به برخی اقدامات غیرمجاز اشاره دارند و بسیاری از موضوعات خاص حوزه ژنتیک، از جمله اصلاح ژن، شبیه‌سازی انسانی و دستکاری ژنتیکی سلول‌های بنیادی، پوشش قانونی کافی ندارند (واحدی و احمدی، ۱۳۹۹: ۴۰۹).

این خلأ تقنینی موجب شده است که قضات و مقامات قضایی برای تصمیم‌گیری درباره مصادیق جرایم ژنتیکی، به قیاس و اصول کلی حقوقی متوسل شوند. چنین وضعیتی نه تنها موجب کاهش امنیت حقوقی افراد می‌شود، بلکه امکان سوءاستفاده‌های قانونی و اجرایی را نیز افزایش می‌دهد. به عنوان مثال، در مواردی که پژوهشگران یا پزشکان اقدام به مداخلات غیرمجاز کنند، تعیین حدود

یکی از نگرانی‌های عمده، استفاده جنایی از فناوری‌های ژنتیکی است. مفاهیمی، مانند دستکاری ژن برای ایجاد ویژگی‌های خاص در انسان، می‌تواند منجر به شکل‌گیری نژاد برتر یا سایر اهداف غیرانسان‌دوستانه شود. چنین اقداماتی، علاوه بر این که به حقوق فردی و کرامت انسانی آسیب می‌رسانند، ممکن است امنیت عمومی و عدالت اجتماعی را نیز تهدید کنند (Lanphier et al, 2015: 9). در کنار مهندسی ژنتیک، شبیه‌سازی انسان نیز مسأله‌ای نوظهور در حوزه جرایم است. شبیه‌سازی می‌تواند هم اهداف درمانی مشروع داشته باشد، مانند تولید بافت یا اندام برای بیماران نیازمند و هم زمینه سوءاستفاده‌های غیراخلاقی را فراهم آورد، مانند ایجاد موجودات دستکاری‌شده برای اهداف نظامی یا تحقیقاتی غیرمجاز (Sparrow, 2019: 61). از دیدگاه حقوقی، فقدان قوانین مشخص در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، موجب شده که قضاوت درباره مشروعیت یا مجرمانه بودن این اقدامات، به طور پراکنده و قیاسی انجام شود.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم، پیچیدگی پیشگیری و کنترل حقوقی جرایم نوظهور است. فناوری‌های ژنتیک سریع و قابل دسترس هستند و این امر امکان سوءاستفاده‌های جنایی را افزایش می‌دهد. علاوه بر آن، تفاوت میان مداخلات درمانی مشروع و اقدامات غیرمجاز گاهی مبهم است و نیازمند تدوین چارچوب‌های اخلاقی و قانونی دقیق می‌باشد (Griffiths, 2018: 102).

چالش دیگر، تداوم آثار نسلی و بلندمدت مداخلات ژنتیکی است. تصمیمات امروز ممکن است اثرات جبران‌ناپذیری برای نسل‌های آینده ایجاد کنند که نه تنها مسائل اخلاقی، بلکه آثار حقوقی و کیفری پیچیده‌ای دارد (Knoppers, 2020: 145). بنابراین نظارت قانونی و

مسئولیت کیفری و مجازات مناسب به دلیل فقدان مقررات صریح، دشوار است (فکور، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

از سوی دیگر، نیاز به تدوین مقررات اختصاصی برای جرایم ژنتیکی کاملاً احساس می‌شود. این مقررات می‌تواند شامل تعریف دقیق جرایم ژنتیکی، تعیین مسئولیت کیفری پزشکان و پژوهشگران، مرز میان مداخلات درمانی مشروع و اقدامات غیرمجاز و تعیین ضمانت اجراهای متناسب باشد. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که فقدان این قوانین، علاوه بر اثرات منفی بر حقوق فردی، مانع از توسعه مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای در میان پژوهشگران و پزشکان نیز شده است (موسی‌زاده و موسی‌زاده، ۱۴۰۳: ۷۶۵).

یک خلأ دیگر، ضعف رویکرد قضایی و رویه‌های اجرایی است، حتی در مواردی که اقدامات غیرمجاز تشخیص داده شود، فقدان دستورالعمل‌ها و معیارهای مشخص برای تعیین مجازات و بررسی ادله علمی، موجب عدم یکسانی تصمیم‌گیری‌ها و افزایش اختلاف نظر قضایی می‌شود. این موضوع نه تنها حقوق متضرران را تضعیف می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نظام قضایی را نیز کاهش می‌دهد (جعفری و پرندک، ۱۳۹۶: ۷۴).

در مجموع، می‌توان گفت که مواجهه با جرایم ژنتیکی در ایران نیازمند اصلاح و تکمیل قوانین موجود و تدوین مقررات اختصاصی است. تقویت چارچوب‌های قانونی، تعیین مسئولیت‌ها و ضمانت اجراها و ایجاد رویه‌های قضایی روشن، از جمله ضرورت‌های اساسی برای پیشگیری از سوءاستفاده‌ها و حفاظت از کرامت انسانی در برابر فناوری‌های نوین ژنتیکی محسوب می‌شوند. علاوه بر این، آموزش قضات، پژوهشگران و پزشکان درباره مبانی

قانونی و اخلاقی مداخلات ژنتیکی، می‌تواند به کاهش خلأهای اجرایی و افزایش امنیت حقوقی کمک کند.

نتیجه‌گیری

با پیشرفت شتابان علوم ژنتیک و ورود فناوری‌های نوین به عرصه پزشکی و پژوهش، ضرورت جرم‌انگاری دقیق و مشخص در حوزه ژنتیک بیش از پیش احساس می‌شود. مداخلات ژنتیکی، اعم از اصلاح ژن، شبیه‌سازی انسان و تغییرات ژنتیک، نه تنها می‌تواند پیامدهای درمانی و سودمند داشته باشند، بلکه در صورت سوءاستفاده یا انجام بدون ضوابط قانونی، تهدیدی جدی برای کرامت انسانی و سلامت جامعه به‌شمار می‌آیند. در این راستا، تدوین قوانین اختصاصی و دقیق برای تعریف مصادیق جرایم ژنتیکی و تعیین مسئولیت‌های کیفری، نخستین گام ضروری برای پیشگیری از نقض حقوق فردی و اجتماعی است. در پرکردن خلأهای قانونی، فقه جزا می‌تواند نقش کلیدی ایفا کند. اصول فقهی، مانند قاعده لاضرر، قاعده حفظ نظام و کرامت انسانی، زمینه‌های ارزشی و اخلاقی را برای تنظیم مقررات نوین فراهم می‌آورند و می‌توانند چارچوبی برای تعیین حدود مسئولیت و مجازات در موارد مداخلات غیرمجاز ژنتیکی ارائه دهند. بهره‌گیری از دیدگاه‌های فقهی همچنین کمک می‌کند تا قوانین تنها جنبه کیفری نداشته باشند و هماهنگی لازم با ارزش‌های اخلاقی و انسانی رعایت شود. در کنار جنبه‌های حقوقی، ملاحظات اخلاقی نیز اهمیت به‌سزایی دارند. هرگونه مداخله ژنتیکی که بدون رعایت کرامت انسانی یا رضایت آگاهانه افراد انجام شود، ممکن است پیامدهای اخلاقی و اجتماعی گسترده‌ای به دنبال داشته باشد. بنابراین جرم‌انگاری نمی‌تواند به‌تنهایی کافی باشد و لازم است در کنار آن، دستورالعمل‌ها و کدهای اخلاقی برای پژوهشگران،

پزشکان و نهادهای نظارتی تدوین شود تا رعایت حقوق و سلامت انسان‌ها تضمین شود.

از منظر چشم‌انداز آینده در ایران، پیش‌بینی می‌شود که باتوجه به روند رشد زیست‌فناوری و توسعه تحقیقات ژنتیکی، میزان برخورد با جرایم نوظهور نیز افزایش یابد. بدون تدوین مقررات دقیق و ایجاد نظام قضایی و نظارتی کارآمد، امکان سوءاستفاده‌های علمی و پزشکی افزایش خواهد یافت و خطر تهدید کرامت انسانی و سلامت عمومی تشدید می‌شود. راهکارهای تقنینی برای مواجهه با این چالش‌ها شامل تدوین قوانین اختصاصی جرایم ژنتیکی، تعیین محدوده دقیق مسئولیت کیفری پزشکان و پژوهشگران، تعریف مداخلات درمانی مشروع و غیرمجاز و پیش‌بینی ضمانت اجرای متناسب است. همچنین تقویت نظام کیفری و هماهنگی میان مراجع قضایی و نهادهای تخصصی پزشکی و ژنتیک، می‌تواند زمینه اجرای مؤثر قوانین را فراهم کند. در حوزه پزشکی قانونی و نهادهای نظارتی نیز، ایجاد کمیته‌های تخصصی برای بررسی پرونده‌های مربوط به مداخلات ژنتیکی، آموزش کارشناسان و تدوین دستورالعمل‌های فنی و اخلاقی ضروری است. این اقدام‌ها می‌توانند به شناسایی به موقع تخلفات، ارزیابی آسیب‌ها و ارائه گزارش‌های دقیق قضایی کمک کنند و درنهایت موجب کاهش ریسک سوءاستفاده‌ها و ارتقای امنیت حقوقی جامعه شوند. به‌طور کلی، ترکیب جرم‌انگاری دقیق، بهره‌گیری از فقه جزا، رعایت ملاحظات اخلاقی و تقویت نظام کیفری و نظارتی، چارچوبی جامع برای مواجهه با جرایم ژنتیکی و مداخلات غیرمجاز در ایران ایجاد می‌کند. این رویکرد نه تنها از کرامت انسانی حفاظت می‌کند، بلکه توسعه مسئولانه فناوری‌های نوین ژنتیکی و پزشکی را نیز تسهیل می‌نماید.

و بستری امن برای رشد علمی و پژوهشی کشور فراهم می‌آورد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش تمام مقاله برعهده نویسنده بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- اسماعیلی مصطفی (۱۳۸۸). «شبیه‌سازی و پیامدهای فقهی، کلامی و اخلاقی آن». مجله حقوق پزشکی، ۳(۸): ۱۴۷-۱۰۹.

- اکرمی سیدمحمد؛ پروین، خیرالله و رزمجو محدثه (۱۴۰۰). «بررسی حقوقی غربالگری سلامت جنین و سقط درمانی در طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده». مجله حقوق پزشکی، ۱۵(۵۶): ۵۱۶-۵۰۵.

- آل کجباف، حسین (۱۳۹۱). «شبیه‌سازی انسانی از منظر حقوق بین‌الملل». مجله حقوق پزشکی، ۶(۲۱): ۶۴-۳۵.

- بهنام منش، شیما و عمانی سامانی، رضا (۱۳۸۷). «بررسی جایگاه شبیه‌سازی حیوانات و آثار آن در ساختار حقوقی اتحادیه اروپا». *مجله حقوق پزشکی*، ۲(۷): ۱۸۹-۱۶۳.
- جعفری، امین و پرندک، زهرا (۱۳۹۶). «تحقیقات ژنتیکی؛ از معیارهای اخلاقی تا رویه دیوان اروپایی حقوق بشر». *مجله حقوق پزشکی*، ۱۱(۴۰): ۸۰-۶۱.
- حر عاملی، محمدحسین (۱۴۱۶). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد ششم، تهران: دارالصادق.
- حسینی، سیدمحمدامین و نریمانپور، مهدی (۱۳۹۹). «بررسی جرم‌انگاری افشای داده‌های ژنتیکی». *مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب*، ۳(۲): ۹۳-۷۲.
- خوئی، محمدرضا (۱۴۰۰). *المکاسب الشرعیه*. نجف: دارالکتب الاسلامیه.
- زرقا، احمد (۲۰۲۱). *الأحكام الفقهیه للتدخلات الوراثیه و البیولوجیه*. بیروت: دارالنهضة العربیه.
- سرخسی، محمد (۱۴۰۵). *المبسوط فی الفقه الشافعی*. بیروت: دارالفکر.
- سعادت‌جو، محسن؛ قاسم‌زاده زاویه، سیدمرتضی و نیک‌نژاد جواد (۱۴۰۱). «بررسی مشروعیت فرآیند شبیه‌سازی سلول‌های بنیادی در پرتو نظرات فقهای امامیه و عامه». *مجله حقوق پزشکی*، ۱۶(۵۷): ۱۰۷۴-۱۰۵۳.
- سیستانی، علی (۱۴۰۲). *اجوبه المسائل*. نجف: مؤسسه الإمام السیستانی.
- شیخ طوسی، محمد (۱۴۱۱). *التهدیب فی الاحکام الشرعیه*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- فکور حسن (۱۳۸۸). «بررسی جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان در حقوق ایران». *مجله حقوق پزشکی*، ۳(۱۱): ۱۴۵-۱۷۰.
- قاضی، یوسف (۲۰۱۹). *فقه الطب الحیوی المعاصر*. القاهرة: مکتبه الأنجلو المصریه.
- قربانی علی‌اصغر (۱۳۸۹). «شبیه‌سازی انسانی؛ از پیامدهای اخلاقی تا سیاست کیفری». *مجله حقوق پزشکی*، ۴(۱۳): ۱۹۰-۱۶۱.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۶). «شبیه‌سازی انسانی از منظر فقه و اخلاق». *مجله حقوق پزشکی*، ۱(۱): ۲۴-۱۱.
- محمدی، زینب (۱۳۸۶). «سلول‌های بنیادین؛ رهیافت‌های اجتماعی، فقهی و حقوقی». *مجله حقوق پزشکی*، ۱(۳): ۱۱۶-۶۹.
- مرادی، خالد (۲۰۲۰). *التدخلات البشريه فی خلق الله: دراسه فقهیه معاصره*. عمان: دارالفکر المعاصر.
- موثق هومن (۱۳۸۶). «رویکرد حقوق بین‌الملل به شبیه‌سازی انسان». *مجله حقوق پزشکی*، ۱(۱): ۷۴-۲۵.
- موسی‌زاده ابراهیم و موسی‌زاده سپیده (۱۴۰۳). «مشروعیت «شبیه‌سازی درمانی» با ابتنا بر موازین حقوق عمومی و ادیان توحیدی». *مجله حقوق پزشکی*، ۱۸(۵۹): ۷۷۴-۷۶۱.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۰۱). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام*. جلد سی‌ویکم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- واحدی جواد و احمدی سیدمهدی (۱۳۹۹). «واکاوی جنبه‌های اخلاقی دستکاری ژنوم انسانی (شبیه‌سازی) در

- Shestak, VA (2023). "Specific Issues of Criminal Protection in the Field of Genetics". *Journal of Forensic Sciences & Medicine*, 69(3): 123-130.
- Sparrow, R (2019). *Crimes against Humanity and Human Cloning*. London: Routledge.
- van Beers, BC (2020). "Rewriting the Human Genome, Rewriting Human Rights Law". *Journal of Law and the Biosciences*, 7(1): 1-26.
- Wang, L (2022). "Genome Editing and Human Rights: Implications of the UNGPs". *Journal of Law and the Biosciences*, 9(1): 1-15.

- فقه و حقوق کیفری ایران». *مجله حقوق پزشکی*، ۱۴ (ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی): ۴۲۱-۴۰۷.
- هنرور، زهره؛ حجازی، آریا و قدیریان، شهرزاد (۱۴۰۰). «تأثیر ژن بر رفتار مجرمانه و مسؤولیت کیفری ناشی از آن». *مجله پزشکی قانونی ایران*، ۲۷ (۱): ۷۰-۶۹.

ب. منابع انگلیسی

- Borry, P; Schotsmans, P & Dierickx, K (2015). *Ethical and Legal Challenges of Human Genetic Intervention*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Darnovsky, M (2019). *Genetic Justice: Ethics and Policy in Human Genome Editing*. New York: Routledge.
- Doudna, J & Sternberg, S (2017). *A Crack in Creation: Gene Editing and the Unthinkable Power to Control Evolution*. New York: Houghton Mifflin Harcourt.
- Gaskell, G; Gottweis, H & Starkbaum, J (2017). *Publics and Biotechnologies: Engagement, Citizenship and Governance*. London: Routledge.
- Griffiths, R (2018). *Human Dignity and Bioethics*. Paris: Éditions L'Harmattan.
- Jasanoff, S (2016). *The Ethics of Invention: Technology and the Human Future*. New York: W.W. Norton & Company.
- Knoppers, BM (2020). *Ethics and Governance of Genome Editing: From Humans to the Environment*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lanphier, E; Urnov, F., Haecker, SE; Werner, M & Smolenski, J (2015). "Don't Edit the Human Germ Line". *Nature*, 519(7544): 410-411.
- Liu, S (2020). "Legal reflections on the case of genome-edited babies". *Gene Therapy*, 27(11): 667-674.
- Peng, Y (2022). "Responsible governance of human germline genome editing". *Journal of Law and the Biosciences*, 9(1): 1-15.